

ناتو میرود اما تهدید همچنان باقیست

در اینمورد متذکر باید گردید که در این اواخر و بخصوص پس از تشکیل کابینه جدید دولت افغانستان، و سپری گردیدن بیشتر از سیزده سال موجودیت قوای خارجی در افغانستان، بصورت رسمی اشغال نظامی به پایان رسیده و اشغال سیاسی جایگزین آن میگردد. خطرات، واکنشها و تحریک دعوت به جنگ، چه در داخل افغانستان و چه در کشورهای همجوار میهن عزیز ما، همچنان موجود بوده و در عین زمان تشدید نیز می گردد.

در آستانه سال جدید ۲۰۱۵، در مرکز فرماندهی قوای ناتو در افغانستان که بصورت رسمی بنام «قوای بین المللی یاری امنیتی» نامیده میشود، مراسمی به مناسبت ختم عملیات «آزادی پایدار»، برگزار گردید که در آن عده ای از مقامات دولتی افغانستان، بعضی از جنرالان ناتو و همکاران سازمانهای بین المللی شرکت ورزیدند. پس از سخنرانی مختصر جنرال جان کمپل قوماندان نیروهای یادشده، بیرق عملیاتی نیروهای بین المللی یاری امنیتی فرود آورده شد. در کلیت عمومی مراسم و خطر حملات مسلحانه نیروهای مخالف، نتایج واقعی فعالیتها و عملکرد سیزده ساله ایساف را چنین خلاصه کردند: «متحدین بزرگ ائتلاف در طول مدت زمان یادشده، وظایف اساسی خود را بصورت واقعی و قناعت بخش آن انجام نداده و در افغانستان موفق به دستیابی به اهداف تعیین شده قوای ائتلاف نگردیدند».

قبل از خروج و عودت قطعات ناتو از افغانستان، در پایتختهای غربی و اروپایی پیرامون موضوع متذکره یعنی در موارد واگذاری مسوولیتهای امنیتی بجانب افغانی، «جوابدهی در قبال امنیت خویش» در شرایط و حالت عادی، اردوی ملی «بهبتر تجهیز شده» که باعث ثبات اوضاع گردد و «زندگی صلح آمیز بهتر گردد» و «دموکراتیک ساختن افغانستان»، تبلیغات وسیعی براه انداخته شد.

قابل یادآوریست که نخستین معضل، جریان داخلی ساخت دولت تنبل و ناکارآمد افغانستان بود که طی انتخابات ریاست جمهوری ماه سپتامبر سال ۲۰۱۴ صورت گرفته و در نتیجه، انتقال مسالمت آمیز و دموکراتیک قدرت در تاریخ کشور نامیده شد، اما متأسفانه تا کنون قادر به حل و فصل معضلات عمده کشور نگردید.

با این حال، ساده و بی تکلف میتوان به این باور بود که اشرف غنی و عبدالله چنین ترتیب اثر دادند تا به سازش سیاسی در تقسیم قدرت نایل گردند. باید خاطر نشان ساخت که بصورت واضح و روشنی از تعداد رأی کاندیدان ریاست جمهوری در این انتخابات رقم و یا ارقامی اصلاً بنشر نرسید. این مطلب را نباید از یاد برد که در دوره نخست انتخابات، مطابق فیصله و اعلام کمیسیون مستقل انتخابات، عبدالله موفق

گردید تا ۴۵ درصد آرای رأی دهندگان را بخود اختصاص دهد، اما در دومین دور انتخابات، بصورت کاملاً متناقض، از جانب کمیسیون یاد شده، اشرف غنی بمتابه برنده و موفق به اخذ ۵۶،۴۴ درصد آرای انتخابات شناخته شد.

قبل بر این چنین بنظر میرسد که معضله و مشکل انتخاباتی، بخصوص در عرصه شمارش آرا با استفاده از زور و کاربرد قوه حل و فصل گردد. بدین ترتیب، عبدالله در نتیجه شمارش دوردوم انتخابات اعلام داشت که طرفدارانش خواهان بازشماری آرا میباشد و در صورت عکس مطلب به سلاح متوسل خواهند شد. اشرف غنی، حمایت و پشتیبانی سیاسی پاکستان را با خود داشت. اسلام آباد از منشا تاجیک - پشتون عبدالله راضی بنظر نرسید. طبق اطلاعات و معلومات موثق، طالبانیکه کنترل پاکستان بر آنها مشهود است، اعلام داشتند که نتایج دور نخست انتخابات را نمیپذیرند.

بسیاری از دست اندر کاران امور مربوط به افغانستان چنین میپندارند که کاندیداتوری غنی پشتون را نه تنها اسلام آباد بلکه واشنگتن نیز ترجیح داد. اشرف غنی، فارغ التحصیل پوهنتون کولمبیا و مکتب تجارت هاروارد میباشد. مدت زمان طولانی کارمند بانک جهانی بود، بنهائاً رهبری امور هم برایش آنقدر درد سر ساز نبوده و بخوبی از عهده آن بر خواهد آمد. عبدالله در صفوف شورای نظار، بمتابه دکتور طب قرار داشت و همچنان نامبرده در صفحات شمال کشور از اتوریته برخوردار میباشد. بنهائاً، با موجودیت تقلب در انتخابات و تحت فشار ایالات متحده به پذیرش نتایج دوردوم انتخابات، عبدالله نتوانست مقام ریاست اجرایی را بمتابه جایزه کوچک، سبک و سنگین نماید.

دست اندر کاران امور در مورد مناسبات گروهها و قشرهای مختلف جامعه افغانی نظرات متعارضی دارند، اما همه با این مفکوره متفق الرأی میباشدند که هیچ خطری کمتر از اتحاد و یکپارچگی طالبان با «دولت اسلامی» برای امنیت افغانستان و آسیای میانه متصور نمیشود. طبق آمار موجود، در حال حاضر جنگجویان «دولت اسلامی» در سرزمین افغانستان موجود میباشدند. در ماه اگست، در منطقه ای از ولایت کندز که همسرحد با تاجیکستان میباشد، دو گروه از جنگجویان «دولت اسلامی» متشکل از عربها، چیچینی ها و افرادی از داغستان، در پی برقراری و اجرای احکام شریعت گردیدند.

علاوه بر آن، از آغاز سال تاکنون در حدود ۲۰ برخورد مسلحانه در نزدیکی سرحد افغانستان با ترکمنستان بوقوع پیوسته که در نتیجه باعث کشته شدن افراد بیشماری از طرفین درگیر گردید. ذکر این مسأله مهم است که همه برخوردها در امتداد خط لوله گاز تاپی که قرار است گاز مورد ضرورت را از طریق افغانستان به پاکستان و هندوستان انتقال دهد، بوقوع میپیوندد.

«دولت اسلامی» خودش را بمتابه بازیگر زندگی افغانها نه تنها در بخش مسایل نظامی، بلکه در سایر مسایل، موثر و اثرگذار میپندارند. بنظر بسیاری از طالبان، بخصوص از نقطه نظر دیدگاه طالبان جوان، «دولت اسلامی» بسیار جالب بنظر میرسد، آنان چنین میپندارند که «دولت اسلامی»، مافوق ملیت ها بوده و در واقعیت امر، بر گروههای قومی و اصل جغرافیایی تمرکز ننموده و مبارزه بین المللی را در دستور کار جنگجویانش قرار داده و به افرادش چنین تلقین مینماید که: جنگ بخاطر خلافت در هر جایکه امکان دارد باید صورت گیرد.

از اینجاست که انبوهی از مشکلات و معضلات عرض وجود مینماید. از چگونگی توانایی جنگی و رزمی اردوی ملی و آمادگیهای آن در سالهای اخیر، قوماندانی نیروهای ناتو جوایده میباشد. «متحدین

اساسی خارج از ناتو» چسان میتوانند باین تهدید روزافزون که متوجه قوای مسلح است، بمقابله بپردازند؟

اطلاعات در مورد یادشده از جانب منابع غربی از نهایت خست ارائه میگردد. این کاملاً واضح و مبرهن است که از سال ۲۰۱۳ بدینطرف واحدهای نیروهای امنیتی افغان که شامل نیروهای وزارت دفاع، وزارت امور داخله و اداره امنیت ملی میگردد، کلیه فعالیت‌های محاروبی و عملیات مربوطه را بصورت مستقلانه و بعضی مواقع بکمک قوای هوایی ناتو انجام میدهند. در چنین وضعیتی، انجام عملیات‌های مستقل، بصورت کلی موثر واقع گردیده و تاکنون از عملیات «وسیع» و همه جانبه علیه «طالبان» بمفهوم وسیع کلمه، اطلاعات و معلومات دلگرم کننده ای بگوش میرسد.

طبق معلومات و اطلاعات وسایل جمعی غربی، بسیاری از بخش‌های قوای مسلح افغانستان، از نارسایی‌هایی در بسا عرصه‌ها شکایت داشته و از کمبود مواد و وسایل مورد ضرورت شکوه میکنند. عمدتاً بمنظور تقویه نیروهای پیاده کشور از مقامات محلی خواهان کمک و معاونت میگرددند. متأسفانه گراف فرار سربازان از صفوف قوای مسلح، بیشترین رقم را نشان میدهد. سطح پایین سواد در صفوف قوای مسلح کشور، از نارسایی‌های قابل بحث در مورد محسوب میگردد.

چنانچه قبلاً تذکر بعمل آمد، قوای مسلح افغانستان، همچنان از کمبود وسایل تخنیکی و جنگی شکایت دارند. عمدتاً در بخش نیروهای هوایی به مشکل مواجه اند، اکثریت قریب بتمام عملیات‌های قوای مسلح کشور توسط قوای هوایی کشور و در صورت ضرورت بواسطه ائتلاف حمایه میگرددند. تعداد مجموعی قوای مسلح کشور به ۳۵۰ هزار نفر بالغ میگردد. بگمان اغلب که در صورت نبود امکانات خوب مالی و عدم موجودیت کمک‌های خارجی، این سوال مطرح میگردد که حقوق ماهانه این تعداد از کدام مدرک و به چه طریقه ای پرداخت خواهد گردید، در حالیکه تعداد مجموعی قوای مسلح بسیاری از کشورهای پیشرفته آسیای میانه از ۶۰ - ۷۰ هزار نفر بیشتر نمیباشد.

در مورد متذکره، شاید بعضیها وضعیت را تحریک نمایند، وضعیتی که با وخیم گردیدن اوضاع سیاسی- نظامی، انگیزه ای را بمنظور توسعه مجدد ساحه تسلط و اختیار ایالات متحده و ناتو در منطقه فراهم نماید. بدیهی است که امر متذکره بصورت دیگر و به شکل انعطاف پذیری انجام خواهد پذیرفت. مقامات ریاست جمهوری ایالات متحده اعلام داشتند که قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در ایالات متحده، واشنگتن مایل نیست تا در کشوری به مبارزه مسلحانه تداوم بخشیده و یا در جنگ دیگری دخیل گردد. اما این واقعیت را کتمان نمودند که گسترش و وسعت ایالات متحده و ناتو در منطقه بمنظور ایجاد تهدید به مناطق خودمختار سن سیان-ایگورچین و کشورهای آسیای میانه میباشد که این آخرین مورد، بمثابه چانه زنی ستراتیژیک محسوب میگردد.

قوت‌های مسلح ایالات متحده و ناتو بسال ۲۰۰۱، عملیات نظامی در افغانستان را آغاز نمودند. در طول تمامی مدت زمان انجام عملیات‌های نیروهای بین المللی یاری امنیتی بتعداد ۲۱۲۵ نظامی امریکایی، ۴۵۳ نفر از نظامیان انگلیسی و بتعداد ۶۳۳ تن از نظامیان سایر کشورهای متحد در این عملیات کشته شده اند. هزینه ایالات متحده طی عملیات نظامی در افغانستان تاکنون به یک تریلیون دالربالغ میگردد.

تحلیلگران و دست اندر کاران امور نظامی و امنیتی در این امر توافق کامل دارند که حضور نیروهای بین المللی در افغانستان و عملیات‌های آن در مجموع به شکست مواجه گردید، خطر تروریسم مرفوع نگرید،

در مقابل و بخصوص در این اواخر فعالیتهای نیروهای مخالف حتی در مناطق امن کشور، بیش از پیش فزونی حاصل نمود.